

فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)  
(علمی - پژوهشی)  
سال دوم، دوره جدید، شماره یک، دی‌ماه ۱۳۸۹

### سُفیان بن مصعب عبدی، شاعر اهل بیت (ع)\*

دکتر جواد سعدون زاده  
استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

#### چکیده

گفتار پیش روی به یکی از سخن سرایان سده دوم هجری می پردازد. وی سفیان بن مصعب عبدی نام دارد. در این پژوهش ثابت شده این شخصیت همان کسی است که در حدیث امام صادق (ع) مورد تأکید قرار گرفته است. به گونه ای که امام صادق (ع) شیعیان را تشویق فرمودند تا شعر سفیان را به فرزندان‌شان بیاموزند. روشن کردن جایگاه و منزلت ادبی سفیان بن مصعب عبدی، جلوه احادیث مرتبط با ولایت علی (ع) و جایگاه اهل بیت در شعر او، از دیگر مواردی است که در این مقاله، بدانها پرداخته شده است. همچنین در این مقاله به برخی از اغراض شعری این شاعر، اشاره رفته است؛ به ویژه اشعار وی در مدح و ذکر صفات اهل بیت (ع)

#### واژه گان کلیدی

سفیان عبدی، شعر، امام صادق (ع) اهل بیت.

---

\* - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۶/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۱۰/۲۵  
نشانی پست الکترونیکی نویسنده: Sadownzadeh@ msrt.ir

## ۱- مقدمه

این نوشتار پژوهشی درباره یکی از سخن سرایان متعهد شیعی است. نام وی سفیان بن مصعب العبدي می باشد. سفیان عبدي از شاعران سده دوم و هم روزگار امام صادق (ع) بود. این شاعر متعهد به سبب اعتقاد راسخ وی به ولایت اهل بیت (ع) دفاع از حریم ولایت بازتاب گسترده ای در شعرش داشته. این اخلاص و ایمان عبدي مورد عنایت امام صادق (ع) قرار گرفت، بطوری که آن حضرت به پیروان خویش امر فرمود شعر سفیان را به فرزندان‌شان بیاموزند. در این پژوهش سعی ما بر این بوده که این شخصیت مبارز و متعهد را که تا کنون پژوهشی درباره آن انجام نیافته است به اهل تحقیق معرفی نماییم، و جایگاه والای ادبیش را نمایان سازیم. همچنین بار اعتقادی و التزام و تعهدش را در خصوص دفاع از حریم ولایت و امامت نشان دهیم. در پژوهشی که انجام یافت، تا آنجا که ممکن بود از منابع معتبر اشعار سفیان استخراج گردیدند. هدف آن بود که بیشترین مقدار شعر سفیان گردآوری شود و اغراض شعریش مورد ارزیابی قرار گیرد. و از قبل آنها، با تحلیل و ارائه شواهد، ثابت شود که این سفیان بن مصعب عبدي همان شخصی است که مورد عنایت امام صادق (ع) بوده، به گونه ای که آن امام همام شیعیان را سفارش نمود تا شعر او را به فرزندان خود بیاموزند.

## ۲- نام و نسب شاعر

مورخان درباره نام شاعر «سیف» یا «سفیان» اختلاف نظر دارند، ولی در ظاهر نام وی سفیان بوده، و سیف مردی گمنام بوده، یا اینکه طریقه ی نوشتن در قدیم این توهّم را به وجود آورده که نام شاعر سیف می باشد. ابن داود و علامه حلّی، در دو جای کتاب رجال خود از شاعر مورد نظر ما در جایی به سفیان و در جایی دیگر به سیف نام برده اند. ولی آنچه مورد توجه قرار می گیرد این است که علامه حلّی این اسم ها را در دو جا بدین صورت ذکر کرده است. در قسمت اول «سیف بن مصعب العبدي ابو محمد» (حلّی، ۱۲۸۲: ۸۲) و در قسمت دوم «سفیان بن مصعب العبدي». (همان: ۱۲۸) علامه حلّی در هر دو جا از لقب العبدي استفاده نموده و در هر دو جا به روایت «الکشی» آورده که امام صادق (ع) در حق او فرموده: «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ شِعْرَ الْعَبْدِيِّ». (همان: ۱۳۱)

با آوردن این حدیث یک بار درباره سیف و بار دیگر درباره سفیان به نظر می رسد منظور علامه در هر دو جا یک نفر می باشد. اما ابن داود در قسمت اول کتابش این چنین آورده است: «سیف بن مصعب العبدي الشاعر» امام صادق (ع) درباره اش فرموده: «يا معشر الشيعة علموا اولادكم شعر العبدي فإنه على دين الله». (رجال ابن داود، ۱۲۸۲، القسم الأول: ۱۰۸)

و در قسمت دوم کتاب رجال خود اینچنین آورده: «سفیان بن مصعب مجهول». (همان، القسم الثاني: ۲۴) ولی مامقانی و آیت الله خویی معتقدند که هر دو نام متعلق به یک نفر است. (ما مقانی، ۱۳۵۲، ج ۳: ۷۹) همچنانکه نجاشی در زندگینامه حسین بن محمد بن علی ازدی و روایت ابوداود مسترق، نام سفیان بن مصعب العبدي را آورده اند. (ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۸: ۳۷۱ و رجال النجاشی، ج ۲: ۶۶)

### ۳- اشتباه گرفتن سفیان با ابن حمّاد

علامه امینی صاحب الغدير گوید: « ابن حمّاد العبدي یا العدوی، ابوالحسن علی بن حمّاد بن عبید الله بن حمّاد العدوی العبدي البصري » است. (امینی، ۱۳۶۶، ج ۴: ۱۵۴) علامه او را از معاصران شیخ صدوق و شیخ مفید و از اکابر شعرای شیعه دانسته. و در ادامه می گوید: «ابن حماد بزرگی از بزرگان شیعه و از پیشگامان شعر شیعه می باشد ولی از حافظان حدیث معاصر شیخ صدوق و امثال اوست. او از جمله کسانی است که در مدح و رثای اهل بیت (ع) شعرهای فراوان گفته و آنها را آشکارا مدح نموده. ابن شهر آشوب او را از جمله شاعرانی می داند که آشکارا در حق اهل بیت علیهم السلام شعر می سروده اند. علامه السّماوی اشعار و لائمی او را در دیوانی بالغ بر ۲۲۰۰ بیت جمع آوری کرده است.» (همان: ۱۵۴)

شاید اشتراک ابن حمّاد و سفیان بن مصعب در لقب العبدي و گرایش شعری آن دو به اهل بیت (ع) باعث مشتبه شدن امر بر بعضی از شرح حال نویسان شده باشد که برخی از آنان ویژگیها یا اشعار هر یک را به دیگری نسبت داده اند. ولی بعضی از دانشمندان محقق متوجه این اشتباه شده و بر تفاوت این دو تأکید کرده اند، و سعی در رفع این اشتباه در بین برخی از علما نموده اند. شاید اولین کسی که دچار چنین اشتباهی شد، و دیگران را نیز به اشتباه انداخت ابن شهر آشوب بود. (ابن شهر

آشوب، ۱۳۸۰: ۱۴۷) ولی برخی از علما این اشتباه را تصحیح نموده اند. مانند؛ ملا علی علیاری، او می‌گوید: «ابن شهر آشوب گمان کرده که مراد از ابن العبیدی همان علی بن حماد العبیدی است. این تصور شگفت آور می‌نماید، زیرا ابن حماد از معاصران نجاشی و آن دیگری (سفیان) از یاران امام صادق (ع) می‌باشد. آن عدوی و ابن عبیدی است». (علیاری، ۱۴۰۶، ج ۴: ۳۶۹)

شیخ مامقانی نیز درباره خطای نظر ابن شهر آشوب می‌نویسد: «به ظاهر اشتباه قلم او بوده که العدوی را با العبیدی در عنوان و روایت به جای هم گرفته است، آنچه آشکار است این است که این مرد (ابن حماد) عدوی است نه عبیدی». (مامقانی، ۱۳۵۳، ج ۲: ۲۸۶) همچنین آیت الله خوبی معتقد است که امر بر ابن شهر آشوب مشتبه شده و ابن حماد، عدوی است نه عبیدی، و روایت امام صادق (ع) در حق سفیان بن مصعب وارد شده. (خوئی، ۱۹۷۴، ج ۱۱: ۴۲۱)

در اینجا نکته هایی درباره این دو شاعر بیان می‌کنیم تا بهتر بتوانیم شعر آن دو را از همدیگر تشخیص دهیم.

۱- ابن حماد به طور معمول نام خود را در قصاید خویش، بخصوص در ابیات آخر قصاید طولانی ذکر می‌کند. ذکر نام بدین گونه در زمان سفیان عبیدی در شعر عربی چندان متداول و متعارف نبوده. درحالیکه سفیان در قصایدش از خود نامی نمی‌برد.

۲- بعضی از قصاید وجود دارد که شاعر از دوازده امام (ع) نام می‌برد و بعید به نظر می‌رسد که چنین قصایدی متعلق به سفیان باشد، و باید متعلق به ابن حماد باشد زیرا از لحاظ زمانی بعد از امامان (ع) زندگی کرده.

۳- نکته مورد توجه در اشعار و قصایدی که از سفیان یافتیم اینست که آنها غالباً کوتاه هستند و شامل بعضی از احادیث وارد شده در فضایل اهل بیت (ع) بوده و کمتر از فنون شعری برخوردارند. ولی بیشتر قصاید ابن حماد طولانی اند و با غزل شروع می‌شوند و در آنها از فنون بلاغی استفاده شده است.

در شرح حالی که نویسندگان درباره ی این دو شاعر نوشته اند، ملاحظه می‌کنیم که دو ویژگی برای آن دو ذکر کرده اند، یکی اینکه از آنها بعنوان شاعر آل محمد

فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی) سال دوم؛ دوره جدید؛ شماره یک؛ دی ماه ۱۳۸۹/۱۶۱

(ص) یا شاعر اهل بیت (ع) یاد شده، دوم اینکه، گفته شده هیچ شعری جز درباره اهل بیت نسروده اند. همچنین علامه بحر العلوم نیز از علی بن حماد به عنوان شاعر اهل بیت (ع) یاد کرده است. (بحر العلوم، ۱۳۸۵، ج ۲: ۹۰) دیگر اینکه شیخ آغا بزرگ تهرانی نیز در «الذریعة» سفیان العبدی را شاعر اهل بیت (ع) معرفی کرده. (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۳۳۲) بنابراین، وجود این دو ویژگی در دو شخصیت سفیان و ابن حماد نمی تواند باعث ایجاد این توهم گردد که این دو یک نفر بوده اند.

#### ۴- ولادت و وفات شاعر

آنگونه که در بسیاری از کتابهای رجال می بینیم، تاریخ به طور مشخص در مورد سال تولد و درگذشت وی چیزی نمی گوید. سید محسن امین و برخی دیگر سال وفات وی را سال ۱۲۰ هجری می دانند. (امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۶۷ و بحر العلوم، ۱۳۸۵، ج ۲: ۹۲)

البته منبع چنین سخنی بیان نشده است. شاید این عدد تخمینی باشد، زیرا علامه امینی در کتاب الغدير پس از آنکه اذعان می کند تاریخ ولادت و وفات شاعر را نمی داند از برخی قرائن و اخباری که درباره ی العبدی آمده؛ نتیجه می گیرد که سال درگذشت شاعر بعد از تاریخی است که سید محسن امین گفته است.

پس اگر بخواهیم سال درگذشت سفیان را دریابیم، باید ابتدا سن و سال معاصران او را بدانیم. امام صادق (ع) سال ۱۴۸ هجری رحلت فرمودند. سید حمیری سال ۱۷۸ هجری درگذشت و ابو داود مسترق (کسی که از سفیان روایت می کند) سال ۲۳۰ هجری یا ۲۳۱ هجری از دنیا رفته است.

پس با توجه به آنچه که گفته شد، به نظر می رسد تاریخ وفات سفیان، بین سالهای ۱۶۰ و ۱۷۰ هجری بوده، که به رأی علامه امینی، مبنی بر درگذشت العبدی بعد از سال ۱۲۰ هجری، نزدیکتر است.

#### ۵- اخبار و روایات درباره ی العبدی

متأسفانه اخبار و روایات درباره ی العبدی بسیار اندک است و آن تعداد کم هم یا درباره ی توصیه امام صادق (ع) به شیعیان برای آموزش شعر او به فرزندانشان است و یا درخواست امام از او برای خواندن شعرش می باشد، یا درباره ی حضور العبدی در مجلس امام (ع) و شنیدن حدیثی از آن حضرت و به نظم کشیدن ابیاتی درباره ی آن حدیث می باشد.

برای نمونه داستان دیدار سفیان را با سید حمیری از کتاب الاغانی ابوالفرج الاصفهانی نقل می‌کنیم: «از داود مسترق سلیمان بن سفیان روایت شده که سید حمیری و العبدي با هم دیدار کردند و سید اینگونه سرود:

إِنِّي أَدِينُ بِمَا دَانَ الوَصِي      يَوْمَ الخَرِيْبَةِ مِنْ قَتْلِ المَحَلِّينَا  
وبالذِي دَانَ يَوْمَ النَهْرَوَانِ بِهِ      وَشَارَكَتْ كَفَّهُ كَفِّي بَصْفِينَا

(ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۰۷)

ترجمه ابیات: «من معتقدم به آنچه وصی به آن معتقد است و در روز جنگ جمل با کسانی جنگید که حرام خدا را حلال شمردند و معتقدم به آنچه در روز نهروان به آن معتقد بود و دستم با دست او در جنگ صفین مشارکت کرد».

در این هنگام العبدي گفت: «اشتباه کردی، اگر دست تو شریک دستش باشد تو مانند او هستی ولی بگو دستم از دستش بیرونی کرد تا بیرو او باشی نه شریک او. بعد از آن سید همواره می‌گفت: «من شاعرترین مردمم بجز العبدي که از من شاعرتر است» (الاصفهانی، ۱۴۱۸، ج ۷: ۲۲)

این روایت بر سه مطلب دلالت می‌کند؛ اول، بر معاصر بودن سید حمیری با سفیان العبدي. دوم، العبدي از لحاظ سنی از سید حمیری بزرگتر بوده که سید شعرش را بر او عرضه داشته و از وی نظر خواسته و او درباره اش چنین سخنی گفته، سوم اینکه، بر ارزش و منزلت شعری سفیان بن مصعب نیز دلالت آشکاری دارد.

#### ۶- جایگاه ادبی سفیان بن مصعب العبدي

دانشمندان بزرگی درباره سفیان و اشعارش سخن گفته‌اند. البته همه ی آن سخنان در مدح و ستایش سفیان نبوده است. برخی درباره اش گفته‌اند؛ او از افرادی بوده که در سروده های خود غلو می‌کردند. (الکشی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۷۰۴ و حلّی، ۱۲۸۲: ۲۲۸)

شاید نسبت غلو که به سفیان داده شده ناشی از برخی اشعار وی باشد که آنها را در ستایش اهل بیت علیهم السلام سروده. مانند آنچه درباره امیرمؤمنان (ع) گفته است:

لَكَ قَالَ النَّبِيُّ هَذَا عَلِيٌّ      أَوَّلُ آخِرٍ سَمِيعٌ عَلِيمٌ  
ظَاهِرٌ بَاطِنٌ كَمَا قَالَتِ الشَّمْسُ      جَهَّاراً وَقَوْلُهَا مَكْتُومٌ

(ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۰۶ و امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۷۱)

ترجمه ابیات: «پیامبر به تو گفت: این علی است، او اول است، او آخر است، او شنونده داناست. او ظاهر و باطن است، همانگونه که خورشید آشکارا گفت و گفته‌اش پنهان است.» در دو بیت گذشته بعضی از صفات ذات باری تعالی برای حضرت امیر مؤمنان (ع) آورده شده است. ولی آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، این است که این صفات با برخی احادیث و روایات نقل شده از معصومین (ع) هماهنگی دارد. ابن شهر آشوب بعضی از این احادیث را ذکر نموده است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۰۶)

ابن شهر آشوب از جمله کسانی است که شعر العبدی را بررسی کرده و در تشخیص شعر خوب مهارت داشته، اشعار العبدی را نقل کرده است. پیش از این نظر سید حمیری را درباره ی شعر سفیان در ماجرای دیدارش با العبدی که از الاغانی نقل شد، آوردیم.

شیخ مامقانی می فرماید: «العبدی شاعر معاصر امام صادق (ع) که در کتابهای قدیمی اشعار بسیاری از او دیده ام که در گردآوری و ذکر فضایل علی (ع) و فرزندان او مانند اشعار سید حمیری هستند ولی از آنها - اشعار سید حمیری - قوی تر و متین تر می باشند.» (مامقانی، ۱۳۵۲، ج ۲: ۲۸۶)

سید محسن امین درباره شعر العبدی می گوید: «تمام آنچه از اشعارش یافتیم در مدح اهل بیت (ع) است و چون شاعر زبردستی بوده، بعید می نماید که اشعاری غیر از مدح نداشته باشد.» (امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۶۸)

سپس داستان دیدار سید حمیری را با العبدی ذکر می کند و ادامه می دهد: «برای تو کافی است آنچه درباره ی او می گوید. انتقاد العبدی بر شعر سید نشانگر شناخت وی از کلام، نقد و شعر است» (همان، ج ۷: ۲۶۸)

و نیز علامه امینی درباره العبدی و می فرماید: «آنکس که شعر العبدی و نیکویی، استواری، شکوه، شیرینی و متانت آن را دیده باشد، متوجه نبوغ شعری او و مهارتش در فنون شعری می شود و به برتری العبدی اعتراف می کند و متوجه می شود، ستایش الحمیری، سید شعراء، به اینکه او شاعرترین مردم است، سخنی بجاست» (امینی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲۹۶)

سپس علامه امینی در جای دیگری او را بسیار تمجید و ستایش می کند و می فرماید: «کسی که در شعرش تأمل و اندیشه کند و جایگاه ارزشمندش را در پیشاپیش رجال حدیث مشاهده کند، او را از پیشتانان در به نظم کشیدن احادیث کمیاب و ارزشمند می یابد و همت والا و حرص شدید او را در گسترش اخبار و

روایات وارده در حق اهل بیت (ع) در اشعارش مشاهده می‌کند.» (همان، ج ۲: ۲۹۷)

سید محمد تقی حکیم، در کتاب شاعر العقیده، درباره علاقه و ارتباط سید حمیری با العبیدی می‌گوید: «روابط او- سید حمیری- در کوفه آنچنانکه می‌نماید، فقط منحصر به صاحبان قدرت نبوده، بلکه با طبقات مختلف اجتماع مخصوصاً شاعرانی که صاحب اندیشه و مدافع اهل بیت (ع) بوده و فضایل آنان را در اشعار خود برمی‌شمرده اند نیز، ارتباط داشته و تاریخ هم چنین از ارتباط او با دو شاعر علوی امامی که به دوستی امام صادق (ع) مشهور بودند، یعنی؛ سفیان بن مصعب العبیدی و جعفر بن عفان الطائی ملقب به المكفوف، سخن می‌گوید. سید حمیری سفیان را محترم‌تر می‌شمرد و بر ذوق شعری و برتری او تأکید و اعتماد داشت و با اینکه سید به خود اعتماد فراوان داشت، با این حال شعرهایش را برای سفیان می‌خواند و نظرش را می‌خواست و چه بسا با وجود اعتماد به نفسی که داشته از برخی نکته‌ها و ملاحظات فنی سفیان استفاده می‌کرده است» (همان، ج ۱۱۶: ۲).

آنچه در ستایش سفیان گفته شده، نشان می‌دهد سفیان شاعر بلند پایه ای بوده، ولی اشعاری که از او به دستمان رسیده، آنقدر اندک است که با این روایاتی که در ستایش او گفته شده، هماهنگی ندارد. چه بسا این عدم تناسب به دلیل ناپدید شدن اشعار سفیان باشد. به ویژه کتابی که نجاشی از آن یاد می‌کند همان که تألیف الأزدی است. این کتاب درباره‌ی اخبار العبیدی و شعر او می‌باشد. متأسفانه، امروزه اثری از این کتاب نیست.

#### ۷- اغراض شعر سفیان

در اینجا برخی از ویژگیهای شعر سفیان را طبق آنچه علما و ناقدان اشعارش نوشته‌اند، می‌آوریم (برای مطالعه بیشتر، رک: سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۷: ۲۷۱ و ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲: ۱۳۳)

۷-۱- شعر سفیان شامل متون و احادیث و روایات وارد شده درباره ی فضایل اهل بیت (ع) و مذمت و نکوهش دشمنانشان می‌باشد، العبیدی در به نظم در آوردن احادیث به ویژه احادیث روایت شده از پیامبر اکرم (ص) که اهل سنت نیز به آنها اعتراف دارند و در کتابها و صحاح خود آنها را نقل کرده اند، کوشیده است.

۷-۲- سفیان شعرش را تنها مخصوص اهل بیت (ع) قرار داده و در سایر زمینه‌ها و اغراض، شعری نسروده.



۷-۳- آنچه در شعر سفیان بسیار چشمگیر است این است که به متون وارد شده در فضایل اهل بیت (ع) صریحاً اشاره می کند و آنها را به نظم در می آورد و در بیشتر شعرهایش مطلع های غزلی را که شاعران از آن استفاده می کنند، مورد استفاده قرار نمی دهد، ولی با اینکه مستقیماً درباره ی موضوع اشعارش سخن می گوید و با آنکه در بسیاری از اشعارش عنصر خیال نقش مهمی ندارد، با اینحال سروده هایش همچنان جذاب است. و روی هم رفته چکامه های وی از شیوه های بلاغی بی بهره نیست. آنچه از شعر سفیان می توان فهمید این است که وی در به نظم در آوردن روایات بسیار مقید است. (امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۷۱)

۷-۴- از شعر سفیان می توان دریافت که وی فی البداهه شعر می گفته. زیرا هرگاه فضیلتی یا حدیثی از امام (ع) درباره ی اهل بیت (ع) می شنید شتابان درباره ی آن شعری می سرود. این ویژگی ناشی از عشق و علاقه ی شدید وی به اهل بیت (ع) و طبع شاعرانه ی اوست.

۷-۵- وجه مشخص شعر سفیان کوتاه بودن اشعار او است. زیرا از او به جز یک مورد قصاید طولانی نیافتیم و این می تواند وجه افتراق سفیان با ابن حماد باشد که دارای قصایدی طولانی است، علاوه بر آنکه ابن حماد غالباً نام خود را در قصاید خود ذکر می کرده ولی سفیان نام یا لقب خود را در شعرش ذکر نمی نموده. ولی البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که ممکن است قصاید العبدی طولانی بوده ولی ابیاتی از آنها در طول زمان از بین رفته است.

۷-۶- ویژگی دیگری که اشعار سفیان دارد؛ آنست که او از قالب سؤال و جواب استفاده کرده است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۳۳ و امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۷۱) شاید استفاده از چنین قالبی به دلیل مقید بودن سفیان به نقل احادیثی بوده که در متن این احادیث سؤال و جواب وجود داشته است. همچنین او در اشعارش از الفاظی آشنا استفاده نموده است که معنی آشکار و روشنی دارند و از بکار بردن الفاظ دور از ذهن و پیچیده پرهیز داشته و این سهولت در الفاظ نشان می دهد که وی شاعری متعهد و علاقه مند بوده است.

۷-۷- ویژگی دیگری که شعر العبدی دارد این است که وی احساسات خود و عشق و علاقه اش را نسبت به اهل بیت (ع) صریحاً بیان می کرد. مانند؛

لازلتُ فی حبِّکم أوالی  
وما تَزودتُ غیرَ حُبِّی  
وذاك دُخری الذی علیهِ  
عُمری و فی بُغضِکم و أعادی  
إِیاکم و هُوَ خیرُ زادِ  
فی عَرصَةِ المحشرِ اعتمادی  
(امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۷۲)

ترجمه ابیات: «عمر خویش را در دوستی نسبت به شما و کینه نسبت به دشمنانتان همچنان سپری می‌کنم. هیچ توشه‌ای جز عشق به شما نیندوخته‌ام در حالی که آن بهترین توشه است. و آن ذخیره‌ی من در روز قیامت است که بر آن اعتماد و تکیه می‌کنم.»  
و مانند قصیده‌ی میمیه‌ی او در رثای امام حسین (ع) که احساس خود را درباره‌ی آن حضرت بیان می‌کند. (ر.ک: سید محسن امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۷۱ و شبر، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۶۹)

#### ۸- احادیث در آئینه‌ی اشعار العبدی

علامه امینی در الغدیر و ابن شهر آشوب در المناقب، احادیثی را که العبدی در اشعار خود به آنها اشاره نموده، نقل کرده‌اند. علامه امینی این احادیث را از کتابها و احادیث اهل سنت استخراج کرده. وی در الغدیر، به عبدی و اشعارش و استخراج احادیث مربوط به اشعار وی بسیار توجه نموده که چنین توجهی را نسبت به سایر شاعران کمتر مشاهده می‌کنیم. شاید این بدان جهت باشد که العبدی در به نظم در آوردن احادیث بسیار متعهد بوده است.

آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، این است که علامه امینی هنگامی که حدیثی نقل می‌کند، منابع آن حدیث و شماره‌ی صفحات آن را نیز ذکر می‌نماید و گاهی منابع یک حدیث از دهها منبع تجاوز می‌کند، ولی ایشان به منابع با چاپ قدیم اشاره می‌کند و چه بسا نسخه‌های این چاپ وجود نداشته باشد. یا اینکه با چاپ جدید اختلاف داشته باشد. در اینجا سعی شده، احادیثی را که العبدی در اشعارش به آنها اشاره نموده، علاوه بر منابعی که علامه امینی ذکر کرده‌اند از منابع دیگر نیز نقل شود.

آوردن این احادیث در اینجا این فایده را دارد که ثابت می‌کند، آنچه درباره‌ی العبدی گفته می‌شود: «که وی از افرادی بوده که درباره اهل بیت و فضایل آنان غلو و اغراق می‌نموده، درست نیست و این احادیث نزد شیعه و اهل سنت وجود ندارد، که دال بر فضیلت اهل بیت (ع) می‌باشد». جالب اینکه بیشتر فضایل و کراماتی را که شیعه به امامان خود نسبت می‌دهد در کتاب‌های اهل سنت موجود

فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی) سال دوم؛ دوره جدید؛ شماره یک؛ دی ماه ۱۳۸۹/ ۱۶۷

می باشد و علمای شیعه سعی بسیار نمودند تا این گونه احادیث را از منابع اهل سنت استخراج نمایند تا ثابت شود این معتقدات خاص شیعیان نیست و به عبارتی ساخته ذهن شیعه نمی باشد.

العبدی اشعاری دارد که به طور پراکنده در کتاب مناقب آل ابی طالب آورده شده. صاحب الغدیر نیز قسمت اعظم این سروده ها را ذکر نموده و صاحب اعیان الشیعه این اشعار را به طور کامل آورده. (رک: ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۲۲ و ج ۳: ۵۴۱-۵۲۷-۵۲۶ و امینی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲۹۰ و امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۶۷-۲۷۲) البته این اشعار در کتابهای یاد شده از نظر بعضی کلمات و تأخیر و تقدیم برخی ابیات با هم اندکی متفاوت هستند. ما این اشعار را از اعیان الشیعه نقل می نمایم. (امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۶۷-۲۷۲)

#### ۹- حضرت فاطمه (ع) در اشعار العبدی

اگر چه العبدی درباره ی حضرت فاطمه (ع) شعر اندکی دارد ولی در همین سروده های اندک نیز توانسته. جایگاه والای آن حضرت را به خوبی به ما بنمایاند. سفیان این اشعار را با توجه به احادیثی که درباره ی حضرت فاطمه (ع) وجود داشته سروده. این اشعار مضامین گوناگونی را در بردارند. از جمله؛

#### ۹-۱- راستگویی حضرت فاطمه (ع)

و هم الصراط المستقیم      و فوقه نجا و ناکب  
صدیقه خلقت لصد      یق شریف فی المناسب

(همان، ج ۷: ۲۲۱)

ترجمه ابیات: آنان راه راست هستند و بالای آن راه راست نجات یافته و از راه منحرف گشته است. فاطمه زنی بسیار راستگو برای مردی بسیار راستگو که در نسب شریف است آفریده شده است.

«صدیقه» اشاره به حضرت فاطمه (س) با توجه به حدیثی که از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است: «قال رسول الله (ص) لعلی: أوتیت ثلاثاً لم یؤتھن أحدٌ و لا أنا، أوتیت صھراً مثلی و لم أوت أنا مثلی، و أوتیت زوجة صدیقه مثل ابنتی و لم أوت مثلها زوجة، و أوتیت الحسن و الحسین من صلیبک، و لم أوت من صلیبی مثلھما، و لکنکم منی، و أنا منکم». (محب طبری، بی تا، ج ۲: ۲۰۲)

ترجمه حدیث: پیامبر خدا (ص) به علی (ع) فرمود: «سه نعمت به تو عطا شده که به هیچ کسی حتی خود من نیز عطا نشده، پدرزنی همچون من به تو داده شده که چنین پدر

زنی به من داده نشده. همسری بسیار راستگو همچون دخترم به تو داده شده که چنین همسری به من داده نشده. از صلب تو حسن و حسین به تو عطا شده و به من مانند آنها از صلب خودم عطا نشده. ولی شما از من هستید و من از شما میم.

در حدیث دیگری درباره ی راستگویی حضرت فاطمه (ع) گفته شده: «عن عائشة إنها قالت: ما رأيتُ أحداً قطُ أصدق من فاطمة». (هیثمی، بی تا، ج ۹: ۲۰۸)

ترجمه: از عایشه روایت شده که گفت: «هرگز راستگوتر از فاطمه ندیدم» در ذخائر العقبی همین حدیث با اندکی تغییر از قول عایشه نقل شده. (طبری، بی تا: ۴۴)

«صدیق» در شعر العبیدی به امام علی (ع) اشاره دارد: زیرا در بسیاری از احادیث پیامبر اکرم (ص) او را صدیق اکبر و فاروق اعظم نامیده است. (رک: الجوینی، ۱۳۰۸، ج ۱: ۳۹ و المتقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۱: ۳۱۶ و ابن الاثیر، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۶ و الکنجی، ۱۴۰۴: ۱۸۷)

#### ۲-۹- خواستگاری علی از حضرت فاطمه (س)

اِخْتَارَهُ وَ اِخْتَارَهَا	طُهْرَيْنِ مِنْ دَنْسِ الْمَعَايِبِ
إِسْمَاهُمَا قُرْنَا عَلِيَّ	سَطْرَ بَظْلِ الْعَرْشِ رَاتِبِ
كَانَ الْإِلَهِهَ وَ لِيَّهَا	وَ أَمِينَهُ جَبْرِيلَ خَاطِبِ

(خطیب بغدادی، ۱۳۴۹، ج ۱: ۲۵۹)

ترجمه ابیات: او را علی را و وی را فاطمه را انتخاب نمود، دو پاک که از ناپاکی عیبها مبرا هستند. نام آن دو قرین یکدیگر بر سطری در سایه ی عرش نگاشته شده است. خداوند ولی و سرپرستش بود و جبرئیل امین خواستگار او (برای حضرت علی) بود.

«اسماهما قرنا...» اشاره به حدیث نوشته بودن نام فاطمه و پدرش و همسرش و پسرانش در سایه ی عرش وبر در بهشت است. (همان: ۲۵۹)

#### ۳-۹- مهریه ی حضرت فاطمه (ع)

درباره ی مهریه حضرت فاطمه (ع) بسیار سخن گفته شده است. ابن شهر آشوب معتقد است مهریه آن حضرت پانصد درهم بوده. سپس روایاتی نقل کرده و می گوید: «کسی به پیامبر (ص) عرض کرد ما مهریه ی فاطمه را در زمین دانستیم چقدر است اما مهریه ی او در آسمان چقدر بود؟ حضرت فرمود: از آنچه به کارت می آید بپرس، و آنچه به کارت نیاید واگذار، ولی آن شخص پافشاری نمود و پیامبر بدو فرمود: مهریه ی فاطمه در آسمان، پنج یک زمین تعیین شده و هر کس در آن قسمت از روی بغض و عداوت نسبت به فاطمه (ع) و فرزندان او، راه برود تا روز قیامت بر او حرام است.» (شهر آشوب، ۱۳۸۰، ج ۳: ۳۵۱)

سفیان این مطالب را اینگونه در اشعارش بیان کرده است:

والمهرُ خُمسُ الأرض موهب      عة تعالت فی المواهب  
ونهاؤها من حمل طوبی      طیبیت تلک المناهب

\*\*\*

وزوجهُ بفاطمَ ذو المعالی      علی الإرغام من أهل النفاق  
وخمسُ الأرض کان لها صدقاً      ألا لله ذلك من صدق  
(ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۲۸ و امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۷۰ و امینی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۲۰)

\*\*\*

وزوج فی السماء بأمر ربی      بفاطمة المهذبّة الطهور  
وصیر مهرها خمساً بأرض      لما تحویه من کرم و حور  
فذا خیر الرجال و تلک خیر      النساء و مهرها خیر المهور  
(رسولی محلاتی، ۱۳۷۶: ۴۹)

ترجمه ابیات: مهریه ی او پنج یک زمین است، موهبتی که برتر از تمام نعمتهاست. غنیمت او از ثمره ی درخت طوبی است، غنیمت و هدایایی که پاک گشتند. خداوند والا مرتبه فاطمه را برخلاف میل منافقان به عقد او در آورد. یک پنجم زمین مهریه ی او بود، شگفتا این چه مهریه ای است؟ و در آسمان به فرمان خدایم او علی (ع) را به همسری فاطمه ی پاک و پاکیزه در آورد. یک پنجم زمین را به سبب سخاوت و خردی که دراوست، مهریه ای وی قرار داد. پس این بهترین مردان و آن بهترین زنان و مهریه اش بهترین مهریه ها است.

#### ۱۰- امام علی (ع) در اشعار العبدی

بیشترین شعر سفیان درباره ی حضرت علی (ع) و احادیث مربوط به آن حضرت است و همین نشان دهنده ی عشق و علاقه ی فراوان او نسبت به امام علی (ع) می باشد، این گونه اشعار در بردارنده مضامین و موضوع های گوناگونی هستند از جمله:

#### ۱-۱۰- ذکر نام علی در کتابهای آسمانی:

أسماءه فی المثنائی      کثیرةً للذکور  
فی صحف موسی و عیسی      مکتوبهً والزبور  
مازال فی اللوح سطر      یلوح بین السطور  
تزورُ أملاکُ ربی      منه بخیر مـزور  
هذا علی حبیبی      أخوالبشیر النذیر

(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۵، ج ۲: ۹۳ و امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۷۰)

ترجمه ابیات: نامهایش در قرآن بسیار ذکر گردیده است. در صحف موسی و عیسی و زبور نوشته شده است. سطری در لوح همچنان در میان سطرها نمایان است. فرشتگان پروردگارم بهترین زیارت شده را، دیدار می کنند. این محبوبم علی است، برادر بشارت دهنده ی بیم دهنده است. در بسیاری از آیات قرآن مجید به حضرت علی (ع) اشاره شده، اما درباره اینکه نام علی (ع) در سایر کتابهای آسمانی آمده است ابن شهر آشوب در کتاب المناقب حدیثی نقل می کند: «الکافی محمد بن الفضل عن أبي الحسن (ع) قال: ولايةُ عليٍّ (ع) مكتوبةٌ في جميعِ صحفِ الأنبياءِ، ولن يبعث اللهُ رسولاً إلاَّ بنبوةِ محمدٍ و وصيةِ عليٍّ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ج ۲: ۹۰)

۲-۱۰- خلافت امام علی (ع):

لَمَّا أَتَاهُ الْقَوْمُ فِي حُجْرَاتِهِ	وَالطَّهْرُ يَخْصِفُ نَعْلَهُ وَ يَرْقِعُ
قَالُوا لَهُ إِنْ كَانَ أَمْرٌ مِنْ لَنَا	خَلْفٌ إِلَيْهِ فِي الْحَوَادِثِ نَرْجِعُ
قَالَ النَّبِيُّ خَلِيفَتِي هُوَ خَاصِفُ	النَّعْلِ الزَّكِيِّ الْعَالَمِ الْمَتَوَرِّعِ

(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۴۶ و امینی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۳۱۹ و امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۶۹)

ترجمه ابیات: هنگامی که قوم به منزلش آمدند آن پاک، کفشش را می دوخت و وصله می زد. به وی (پیامبر) گفتند: اگر امری پیش آید چه کسی برای ما جانشین خواهد بود، که در هنگامه ی حوادث به او مراجعه کنیم.

پیامبر فرمود: جانشین من وصله کننده ی کفش است که پاک و دانشمند و زاهد است. العبدی با این اشعار به حدیثی از قول ام سلمه اشاره دارد که در آغاز جنگ جمل به عایشه یادآور می شود و می گوید: «أذكرک کنت أنا و أنت مع رسول الله (ص) فی سفر له، و کان علیٌّ یتعاهد نعلی رسول الله (ص) فیخصفها و یتعاهد أثوابه فیغسلها، فنقبت له نعل، فأخذها یومئذ یخصفها، و قعد فی ظلِّ سمره و جاء أبوبک معه عمر فاستاذنا علیه فقمنا إلى الحجاب، و دخلا یحدثانه فیما أراد، ثم قال: یا رسول الله إنا لا ندري قدر ما تصحبنا فلو أعلمتنا من یستخلف علينا لیكون لنا بعدک مفزعا، فقال لهما: أما إنی قد أری مکانه و لو فعلت لتفرقتم عنه کما تفرقت بنو إسرائيل عن هارون بن عمران، فسکتا ثم خرجا، فلما خرجنا إلى رسول الله (ص) قلت له: من کنت مستخلفاً علیهم؟ فقال: خاصف النعل، فنزلنا فلم نر أحداً إلاَّ علیاً

فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی) سال دوم؛ دوره جدید؛ شماره یک؛ دی ماه ۱۳۸۹/ ۱۷۱

و...» (ابن الأثیر، ۱۳۷۷، ج ۴: ۴۶ و ابن جوزی، بی تا: ۴۵ و متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۷۳-۱۲۷-۱۱۵-۱۰۷؛ القندوزی الحنفی، ۱۳۸۵: ۵۹)

۳-۱۰- خوابیدن امام علی(ع) در بستر پیامبر(ص)

فداهُ إذ أقبلت قريش عليه في فرشه الأمير

(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۵، ج ۲۱: ۹۳)

ترجمه بیت: هنگامی که قریش روی آوردند امیرمؤمنان خود را در بستر پیامبر فدایی قرار داد.

شاعر با این بیت به حدیث خوابیدن امام علی(ع) در شب هجرت در بستر پیامبر اکرم(ص) اشاره دارد که این حدیث به تواتر اثبات شده و در منابع متعددی ذکر شده است. (عسقلانی، بی تا، ج ۲: ۵۰۹)

۴-۱۰- حدیث غدیر:

و افاهُ في خمّ و ارتضاهُ خليفة بعده و وزيرُ

(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۵، ج ۲۱: ۹۳)

ترجمه بیت: در غدیر خم نزد او آمد و راضی گشت که او جانشین و وزیر پس از وی باشد.

۵-۱۰- علم امام علی(ع)

علمه الله الذي كان و ما يكون في العالم جهراً و خفاً

ترجمه بیت: خداوند، آنچه در جهان بوده و آنچه خواهد بود چه آشکار و چه نهان به وی آموخت. (امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۷۰ و ۲۶۹) این بیت، بیانگر توجه عبیدی به علم سرشار امام علی(ع) است.

۶-۱۰- اعتماد عمر به دانش امام علی(ع)

دانش امام علی(ع) انکارناپذیر است، به گونه ای که کسی منکر آن نمی شد. العبیدی در این باره سروده است:

إننا روينا في الحديث خبراً	يعرفه سائر من كان روى
أن ابن خطاب أتاه رجلٌ	فقال كم عدّة تطليق الإمام
فقال يا حيدر كم تطليقة	للأمة اذكره فأوما المرتضى
بإصبعيه فثنى الوجه الى	سائله قال أثنان و اثني
قال له تعرف هذا قال لا	قال له هذا علي ذوالعلى

(امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۶۹ و ۲۷۰ و امینی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲۹۸)

ترجمه ابیات: همانا که در حدیث خبری را روایت کردیم که دیگر روایت کنندگان آن را می دانند. مردی به نزد پسر خطاب آمد و گفت: تعداد طلاق کنیز چند بار است. پس گفت: ای حیدر،

طلاق کنیز چند بار است؟ بگو، مرتضی اشاره نمود: با دو انگشتش، پس او (عمر) رویش را بر پرسنده ی سؤال برگرداند و گفت دو بار و برگشت. گفت: آیا این را می شناسی گفت: نه (عمر) به او گفت: این علی و الامرتبه است.

۷-۱۰- ایمان امام علی (ع):

أشهد بالله لقد قال لنا      محمدٌ والقولُ منه ما خفي  
لأنَّ إيمانَ جميعِ الخلقِ ممن      سكن الأرضَ و من حلَّ السَّما  
يُجعلُ في كفةِ ميزانِ لحي      يوفى بإيمانِ عليٍّ ما وفى  
(امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۶۹ و ۲۷۰ و امینی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲۹۸)

ترجمه ابیات: بخداوند قسم، شهادت می دهم که محمد(ص) به ما فرمود وگفته‌اش پنهان نمیشود. اگر ایمان همه ی آفریده ها چه آنانی که ساکن زمین هستند و چه آنانی که در آسمانند در یک کفه ی ترازو قرار داده شود تا با ایمان علی همسنگ شود، هم وزن آن نخواهد شد.

در کتاب الرياض النضرة از قول عمر بن الخطاب نقل شده است: «هذا عليُّ بن أبي طالب أشهد أني سمعت رسول الله (ص) يقول: لو أن إيمان أهل السماوات و الأرض وُضع في كفة و وُضع إيمانُ عليٍّ في كفةٍ، لرجح إيمانُ عليٍّ بن أبي طالب». (محب طبری، بی تا، ج ۳: ۲۰۶)

۸-۱۰- سخاوت و بخشندگی امام علی (ع):

ذاك المصدقُ في الصلاةِ بخاتم      و بقوتهِ للمستكين السَّارِب.  
(امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۷۰)

ترجمه بیت: آن کسی که در نماز انگشترش راوغذای خود را به بیچاره ی در راه مانده صدقه می دهد.

۱۱- اهل بیت (ع) در اشعار عبیدی:

العبدی احادیثی را که درباره ی اهل بیت پیامبر(ص) وجود دارد، در لفافه ای از شعر می پیچد و آن را با عطر عشق و علاقه خوشبو می سازد و به دوستداران آن بزرگواران عرضه می دارد.

۱-۱۱- اهل بیت (ع) ستارگان هدایتند:

يا سادتي يا بني عليٍّ      يا آل طه و آل صادِ  
من ذابوازيكم و أنتم      خلائفُ الله في العبادِ  
أنتم نجوم الهدى اللواتي      يهدى بها الله كلَّ هادي  
لولا هُداكم إذا ضللنا      والتبس الغيُّ بالرشادِ  
لازلتُ في حبكم أوالى      عمري و في بغضكم أعادي  
و ما تزودت غير حُبِّي      إياكم و هو خيرُ زادِ



و ذاک ذخری الذی علیه فی عرصۃ المحشر اعتمادی

(امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۶۸)

ترجمه ابیات: ای سروران من، ای فرزندان علی، ای خاندان طه و ای خاندان صاد (یعنی ای خاندان فصاحت) چه کسی تواند با شما برابری کند، در حالی که شما خلیفه های خداوند در میان بندگانش هستید. شما ستارگان هدایت هستید که خداوند هر هدایت کننده را به وسیله ی آنها راهنمایی می کند. اگر هدایت شما نبود، گمراه می شدیم و ناصواب و صواب بر ما مشتبه می گشت. همچنان در علاقه ی به شما و کینه نسبت به دشمنان شما عمرم را سپری می کنم. و غیر از علاقه ی به شما توشه ای برنگرفتم و آن بهترین توشه است. و آن توشه و ذخیره من است که در روز قیامت به آن تکیه می کنم.

(یا سادتی...) در بیت اول اشاره به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) که کتاب ینابیع المودّة آن را این گونه نقل می نماید: «قال رسول الله (ص): یا علیّ أنا و انت و الائمة من وُلدک سادات فی الدنیا، و ملوک فی الآخرة» (القندوزی، ۱۳۸۵: ۲۳)

۲-۱۱- ارزش علاقه ی به اهل بیت (ع):

لا یقبلُ اللهُ لِعبدٍ عملاً حتّٰی یوالیهم بإخلاص الولا  
ولا یتیمّ لا مرءٍ صلاتُهُ حتّٰی یوالیهم ولا یزکو الدعا

(امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۶۹ و ۲۷۰ و امینی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲۹۸)

ترجمه ابیات: خداوند هیچ عملی را از بنده ای نمی پذیرد مگر اینکه خالصانه آنان را دوست بدارد. نماز هیچ کسی کامل نیست و دعایش پاکیزه نخواهد بود مگر اینکه آنها را دوست بدارد و ولی خود قرار دهد.

بیت اول درباره ی حدیثی است که از امام حسین (ع) در مجمع الزوائد نقل شده است: «قال رسول الله (ص): الزموا مودتنا أهل البيت، فإنه من لقي الله عزّ و جلّ و هو یودّنا، دخل الجنة بشفاعتنا، و الذی نفسی بیده لا ینفعُ عبداً عملُهُ إلاّ بمعرفة حقنا». (الهیثمی، بی تا، ج ۹: ۱۷۲)

۳-۱۱- مقام اهل بیت (ع):

لو لم یكونوا خیر من وطأ الحصى ما قالَ جبریلُ لهم تحتَ العبا  
هل أنا منکم شرفاً ثمّ علا یُفاخرُ الأملاکُ إذ قالوا بلی

(امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۶۹ و ۲۷۰ و امینی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲۹۸)

ترجمه ابیات: اگر بهترین کسانی نبودند که بر شنها گام نهادند جبرئیل زیر عبا به آنان نمی گفت: آیا من در شرف و بزرگی از شما هستم؟ وقتی گفتند: آری! به بالا رفت در حالی که به فرشتگان فخر فروشی می کرد.

العبدی در این دو بیت به حدیث مشهور کساء اشاره دارد. این حدیث در منابع متعددی آمده، از جمله کنز العمال (مسند احمد بن حنبل، بی تا، ج ۱: ۳۳۱)

۴-۱۱- اهل بیت (ع) نور آسمانها و زمین:

همچنین عبدی، در ابیاتی اهل بیت را نور آسمانها و زمین می داند و می گوید:  
صلوات الإله تترى عليكم      أهل بيت الصيام والصلوات  
وبكم يعرف الخبيث من الطيب      والنور في دجى الظلمات  
(امین، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۶۸)

ترجمه ابیات: درود خداوند بر شما، اهل بیت روزه و نماز، پی در پی باد. و به وسیلهی شماسست که ناپاک از پاک و روشنایی در تاریکی و ظلمت شناخته می شود.

اهل بیت نور هستند و حدیثی که بر این معنا دلالت دارد در کتاب اصول کافی آمده است: «عن أبي خالد الكابلي قال: سألت أبا جعفر (ع) عن قول الله عز وجل (فأمنوا بالله ورسوله والنور الذي أنزلنا) فقال: يا أبا خالد، النور والله نور الأئمة من آل محمد (ص) وهم والله نور الله في السماوات والأرض». (الكليني، بی تا، ج ۱: ۱۹۴)

#### نتیجه

از آنچه گذشت نتیجه می گردد که شاعر مورد تأکید در حدیث امام صادق (ع) همان سفیان بن مصعب عبدی می باشد.

آنچه از مفاد حدیث شریف استفاده می گردد آن ست که، شعر این سخن سرا، از مضمون اعتقادی عمیق و پرباری برخوردار می باشد، تا آنجا که پیشوای معصوم امر می نماید آن را به کودکان خویش بیاموزیم، زیرا این شعر متعهد می تواند آثار اعتقادی و تربیتی ژرفی را در روح و روان نونهالان و جوانان بر جای بگذارد. به طور یقین چنین شعری که مورد توجه معصوم واقع شده، نمی تواند از نظر ساختار و جایگاه شعری، جایگاهی فرو و پست داشته باشد.

آگاهان به کشمکش های تاریخی جریانهای مذهبی و سیاسی نیک می دانند که اندیشه های متعصب و تنگ نظر چه زیانی به میراث گذشته وارد ساخت. بسیاری از آثار و متون را به تحریف کشاند و انبوهی از شاهکارهای گذشته را به دلایل رویکردهای خودخواهانه خویش برای همیشه از صحنه گیتی خارج ساخت. بدون شک چکامه های سفیان عبدی از این گزند جان سالم بدر نبردند. بررسیهای ما در منابع کهن و همروزگار، آن نتیجه بایسته را به همراه نداشت! امید است با بررسی

های گسترده‌تر، چکامه‌ها و سروده‌های بیشتری از آبخخور سفیان عبدی بدست آید، و با جام آکنده‌ی خویش، تشنگان مشرب علوی را بیش از این، سیراب نمایند.

### کتابنامه

- ۱- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۷۷ق) «اسدالغابة» بیروت، دار احیاء التراث العربی، لاطا.
- ۲- ابن جوزی، جمال‌الدین ابی‌الفرج (بی تا) «تذکره الخواص» بیروت، مؤسسه اهل بیت، لاطا.
- ۳- ابن حنبل، أحمد (بی تا) «المسند» بیروت، دارالفکر، ط ۱.
- ۴- ابن شهر آشوب، رشیدالدین (۱۳۸۰ق) «معالم العلماء» النجف، المطبعة الحیدریة، ط ۱.
- ۵- ابن شهر آشوب، رشیدالدین (۱۳۷۵ق) «مناقب آل ابی طالب» النجف، المطبعة الحیدریة، لاطا.
- ۶- اصفهانی، ابوالفرج (۱۴۱۸ق) «الأغانی» بیروت، دار احیاء التراث العربی، ط ۱.
- ۷- امین، سید محسن (۱۴۰۳ق) «أعیان الشیعة» بیروت، دارالتعارف، ط ۱.
- ۸- امینی، علامه عبدالحسین (۱۳۶۶ش) «الغدیر» تهران، دارالکتب الاسلامیة، ط ۱.
- ۹- بحر العلوم، سید مهدی (۱۳۸۵ق) «الرجال» النجف، مطبعة الآداب، ط ۱.
- ۱۰- تهرانی، شیخ آغا بزرگ (۱۴۰۳ق) «الذریعة» بیروت، دار الأضواء، بیروت، ط ۱.
- ۱۱- الجزری، محمد بن محمد (۱۴۰۳ق) «أسمى المناقب» بیروت، ط ۱.
- ۱۲- جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد (۱۳۰۸ق) «فرائد السمطین» بیروت، مؤسسه المحمودی للمطبوعات، ط ۱.
- ۱۳- حکیم، سید محمد تقی (۱۳۶۹ق) شاعر العقیده» بغداد، دارالحديث، لاطا.
- ۱۴- حلّی، ابن داود (۱۳۸۲ق) «رجال ابن داود» النجف، المطبعة الحیدریة، لاطا.
- ۱۵- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۳۸۲ق) «رجال علامه حلّی» النجف، المطبعة الحیدریة، لاطا.

- ۱۶- خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (۱۳۴۹ق) «تاریخ بغداد، مصر، مطبعة السعادة، لاطا.
- ۱۷- خوبی، سیدابوالقاسم (۱۹۷۴م) «معجم رجال الحديث» النجف، مطبعة آاداب، لاطا.
- ۱۸- رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۷۶ش) «زندگانی فاطمه (س) و دختران آن حضرت» تهران، چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- ۱۹- رضی، ابوالحسن محمد بن ابی احمد (۱۳۵۱ش) «نهج البلاغة» شرح فیض الاسلام، تهران، بی تا، چاپ اول.
- ۲۰- شبر، سید جواد (۱۴۰۹ق) «أدب الطف، بیروت» دارالمرتضى، ط ۱.
- ۲۱- طبری، احمد بن عبدالله (بی تا) «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» بیروت، مؤسسة الوفاء، لاطا.
- ۲۲- عسقلانی، احمد بن علی بن حجر (۱۳۲۸ق) «الإصابة» بیروت، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ط ۱.
- ۲۳- عسقلانی، احمد بن علی بن حجر (۱۴۰۴ق) «تهذیب التهذیب» بیروت، دارالفکر، ط ۱.
- ۲۴- علیاری، ملاعلی (۱۴۰۶ق) «بهجة الآمال» تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- ۲۵- قندوزی، حنفی، شیخ سلیمان بن ابراهیم (۱۳۸۵ق) «ینابیع المودة لذوی القربی» الکاظمیة دارالکتب العراقیة، ط ۱.
- ۲۶- کشی، محمد بن عمر بن عبدالعزیز (۱۴۰۴) «رجال الکشی» قم، مؤسسة آل البيت، ط ۱.
- ۲۷- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (بی تا) «اصول کافی» تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، چاپ اول.
- ۲۸- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۵۹ق) «روضة الکافی» تهران، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ اول.
- ۲۹- گنجی شافعی، محمد بن یوسف (۱۴۰۴ق) «کفاية الطالب فی مناقب آل أبی طالب» تهران، مطبعة فارابی، چاپ اول.

فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی) سال دوم؛ دوره جدید؛ شماره یک؛ دی ماه ۱۳۸۹ / ۱۷۷

- ۳۰- مامقانی، شیخ عبدالله (۱۳۵۲ق) «تنقیح المقال» النجف، المطبعة المرتضوية، لاطا.
- ۳۱- متقی هندی، علامه علاء الدین علی (۱۴۰۹ق) «کنز العمال» بیروت، مؤسسة الرسالة، لاطا.
- ۳۲- مجلسی، علامه محمد باقر (۱۴۰۳ق) «بحار الانوار» بیروت، دار احیاء التراث العربی، لاطا.
- ۳۳- محب طبری، ابو جعفر أحمد (بی تا) «الریاض النضرة» بیروت، دار الکتب العلمیة، لاطا.
- ۳۴- نجاشی، ابوالعباسی احمد بن علی (۱۴۰۷ق) «الرجال» قم، جامعة المدرسین، ط ۱.
- ۳۵- هیثمی، نورالدین علی بن بکر (بی تا) «مجمع الزوائد و منبع الفوائد» بیروت، دارالکتب العربی، بیروت، ط ۱.

فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)  
(علمی - پژوهشی)  
سال دوم، دوره جدید، شماره یک، دی ماه ۱۳۸۹

سفیان بن مصعب العبدي، شاعر اهل البيت (ع)\*

د. جواد سعدون زاده

استاذ مساعد بجامعة شهيد چمران - اهواز

الملخص

البحث الذي بين ايدينا يتناول احد الشعراء للقرن الثاني من الهجرة. شاعرنا هذا هو سفیان بن مصعب العبدي. اثبتنا في هذا المقال أن شاعرنا هو نفس الشخصية التي وردت بتأكيد عليها في حديث الامام الصادق (ع) حرّض الامام الصادق (ع) شيعته على أن يعلموا اولادهم شعر سفیان! اشرنا مستوفياً في هذا البحث الى بعض الاغراض الشعرية للعبدي ايضاً. تبين موقع و مكانة سفیان بن مصعب العبدي الادبية، تبلور الاحاديث المعنية بولاء على بن ابي طالب و مكانة اهل البيت (ع) في شعر سفیان بن مصعب العبدي، من الموارد اخرى التي قمنا بها في اطار هذا البحث، مؤشراً الى اشعاره في ذكر مناقب و صفات اهل البيت (ع).

الكلمات الدليلية

سفیان العبدي، الشعر، الامام الصادق (ع) اهل البيت (ع)

\*- تاريخ الوصول: ۱۳۸۹/۶/۱۷ تاريخ القبول: ۱۳۸۹/۱۰/۲۵  
عنوان بريد الكاتب الالكتروني: Sadownzadeh@ msrt.ir